ادامه از صفحه اول

رونمایی از لویاتان احمدی‌نژادی‌ها

آنها به دنبال احیای اسطوره لویاتان هستند، بدون ابا و پرده‌پوشی در پی آن‌انـد تا از میان خاکسترهای فرو خفته تاریخ، لویاتانی را احضار کنند. رفتارشـان طنزآمیز و خنده‌دار است، ولی ترسـی نهفته در دل آن وجـود دارد. همچون فـردی که در تاریکـی باغ ایسـتاده و خنده‌ای رعب‌انگیز بر لب دارد. احمدی‌نژادی‌ها نشـان داده‌اند در این کار مهارت دارند. همان‌گونه که در خرداد ۸۴ همه عقلا را به خنده وامی‌داشتند و دسـت آخر، در پی کابوسـی هشت‌سـاله بر مسند قدرت نشسـتند.طیف دیگر اصولگرایان درصددنـد تا با هجـوم انتخاباتـی، روحانی را ناگزیر به مرحلـه دوم انتخابـات ببرند. جایی در گوشـه رینـگ و در «راند» آخـر او را از پای درآورنـد. آنـان بازیگرانی دو سـر بردند. ببرند که برده‌اند. ببازند باز هـم برده‌اند، آنان دولت رقیب را تا حد و اندازه خود فروکاسته‌اند. دولت روحانی با این دو خطر جدی روبه‌روست. اولی، خطر ملی اسـتراتژیک است که همه را موظف می‌کنـد تا آن را جـدی بگیرند و بـه مقابله با آن برخیزند و دومی بـا اینکه ظاهری تاکتیکی دارد، در نهایت اسـتراتژیک خواهد شـد. آنان نیز سـودای صید لویاتانی را در سر می‌پرورانند که هنوز از آن رونمایی نکرده‌اند. اما قصدشـان چنان آشکار اسـت که نیاز به فاش‌گویی ندارد. باید به انتظار نشسـت تا معلوم شود آنان چه چیز در آستین می‌پرورانند.

*** در این یادداشـت از کتاب لویاتان/ در نظریه دولت تامـس هابـز، کارل اشـمیت، ترجمه شـروین مقیمی زنجانی، نشر روزگار نو استفاده شده است.**

تهران زیباترین مقصد نوروز

به همه گردشگران توصیه می‌شود از مناظر بی‌نظیری مانند شـکوه بی‌بدیل رشته کوه البرز پوشـیده از برف که از اکثر خیابان‌های شـمالی امکان مشـاهده آن هسـت و آثـاری مانند برج آزادی بـه عنوان یـک اثر نمادیـن و فاخر، برج میـلاد و دولفیناریوم آن، پل طبیعـت، دریاچه خلیج فـارس (چیتگـر)، بام تهـران، تله‌کابین توچال، تله‌سـیژ دربند، پارک ژوراسـیک تهران، بـاغ پرندگان، پارک ملی خجیر در شـرق تهران، میـدان مشـق، حصار ناصـری، کوچـه مروی، محلـه عودلاجان، محله سـنگلج، کافه نادری، خیابـان لاله‌زار، سـردر باغ ملی، سـاختمان‌ها، کاخ‌ها، مساجد، فرهنگ‌سراها، گذرگاه‌های پر از درخـت مثل خیابان ولیعصر، متـرو، میدان‌ها و بوستان‌های چشم‌نواز ملت، ساعی، لاله، چیتگر، جمشـیدیه، نیاوران، ارم و باغ‌وحش آن، شیان، آب‌وآتش، شـهر، جوانمـردان، باغ‌مـوزه دفاع مقدس، دانشجو، بوسـتان ولایت، پارک جنگلی کوهسـار، بهشت مادران، پردیسـان، پارک ملی سرخه حصار، تپه‌های عباس‌آباد، باغ ایرانی، باغ هنر، باغ‌موزه مینیاتوری، خانه هنرمندان، بوستان طالقانـی و عناصر، المان‌ها و مبلمان‌های عالی شهری، بزرگراه‌ها و مجسمه‌ها به عنوان بخشی از جاذبه‌های تهران دیدن کنند. ابنیه‌های تاریخی مانند کاخ‌موزه‌های گلستان، نیاوران و سعدآباد، بـرج طغرل، زیارتگاه‌هـا از جمله حرم حضرت عبدالعظیم حسنی، حرم امامزاده صالح و دیگر امامزاده‌ها و بارگاه امام خمینی، موزه‌های بزرگ مانند موزه ایران باستان، موزه هنرهای اسلامی، موزه رضا عباسـی، مـوزه آبگینه و سـرامیک، مـوزه جواهرات ملی، موزه ملک، موزه سـینما، مـوزه عبرت، مـوزه صلح، باغ‌موزه نگارسـتان، موزه فرش، مـوزه قصر و موزه هنرهای معاصر، شهرک سینمایی غزالی و خانه‌های قدیمی مانند عمارت مسـعودیه و خانه مقدم از کم‌نظیرترین موزه‌هـا و مجموعه‌هـای جهان هسـتند. بازار تهران و دیگـر بازارهای قدیـم و جدید و مراکز تجاری و تفریحی بزرگ، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، بیمارسـتان‌ها و زیارتگاه‌ها، مجموعه تئاتر شهر، بوستان‌ها، غارها، آبشارها، رودخانه‌ها، مناظری مانند دربند، درکه، ولنجک و توچال در شمال از جمله دیگر جاذبه‌های تهران به شـمار می‌آیند. وجود مسجد حضرت ابراهیم(ع)، کلیسای مریم مقدس، کنیسه حییم و آتشکده آدریان نمایشگر صلح و زندگی ادیان مختلـف در مرکز تهران و در خیابان سـی‌تیر است. مراکز سیاسی و اداری، مانند مجلس شـورای اسـلامی، وزارتخانه‌ها، سـفارتخانه‌ها و همچنیـن فرودگاه‌هـای بین‌المللـی، امکانـات و ایسـتگاه‌های مترو و حمل‌ونقل ریلی، پالایشـگاه نفـت، کارخانجات خودروسـازی، بـورس، بانک‌هـا و ده‌ها جاذبه دیگـر موقعیت تهران را در سـطح غرب آسـیا و خاورمیانـه بی‌نظیر کرده اسـت. در ایام نوروز به‌ویژه با ارائه تورهای تهرانگردی که از سـوی شرکت‌ها و آژانس‌های معتبر تدارک دیده شده و بیشتر هتل‌ها و دیگر مؤسسات مربوط به صنعت گردشگری تخفیفات ویژه‌ای برای این ایام اعلام کرده‌اند، این بسـتر فراهم است تا تهران را برای نـوروز به مقصدی گردشـگری تبدیل کرده و در فراینـد جامعه‌پذیری جوانان و نوجوانان، آنها را با جاذبه‌های فاخر ایران آشنا کنیم.

***عضو شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری**

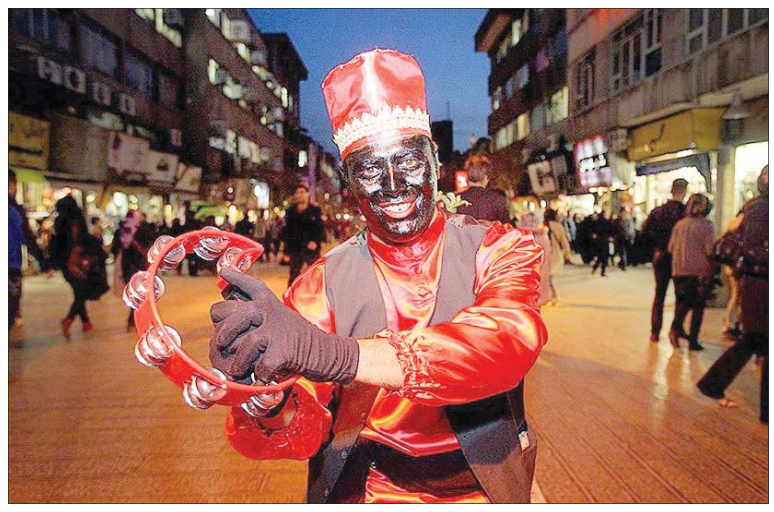

کاسبی داغ نوروزی، شهرستانی‌ها را به تهران کشید

حاجی‌فیروزهای «دانشجو»

شـکوفه حبیب‌زاده: چندسالی اسـت که تقریبا سر هر چهـارراه معروفـی در تهران، چنـد حاجی‌فیروز حتما می‌بینیـد. احتمال اینکه شـب‌ها آنها را ببینید بیشـتر اسـت؛ اما بعضی از چهارراه‌ها، روزهـا هم میزبان این حاجی‌فیروزها هستند.

آخرین جمعه سال است و سر ظهر همه‌جا خلوت؛ چشم می‌چرخانم تا ببینم‌شان و گپ‌وگفتی با هم داشته باشـیم. از انقلاب تا فردوسـی، سـر هر چهارراه چشم می‌گردانم، نیستند.

سـر چهارراه ولیعصر سراغشـان را می‌گیرم. یکی از کاسب‌ها می‌گوید: «دیروز یک ون شهرداری آمد و همه حاجی‌فیروزها را برد؛ اما شب برمی‌گردند، ساعت هشت دوباره سر بزنید».

یکـی دیگر می‌گوید: «الان که اینها را بردند؛ اما کمتر ایـن حوالی در طول روز می‌آیند. روزها می‌روند شـمال تهران. جایی که مطمئن هستند درآمدی برایشان دارد».

از فردوسی، راهی چهارراه تخت‌طاووس و عباس‌آباد می‌شـوم؛ آنجا حتمـا هسـتند، چندباری دیدمشـان. تخت‌طاووس خبری نیسـت، اما سر چهارراه عباس‌آباد می‌بینمشان.

حاجی‌فیروزهای کوچک

دو تا پسـربچه حدودا ۸، ۹ ساله. صدایشان می‌کنم. دم‌دم‌های ظهر است؛ حوالی ساعت یک و نیم.

- سـلام بچه‌ها؛ خوبید؟ سـر ظهر جمعه هم اینجا هستید؟

-تازه اومدیم.

- لباس‌های عمونوروز نداشتید؟ این لباس قرمزها رو از کجا آوردین؟

- لباس قرمزهامونو پوشـیدیم. (یکـی از آنها، یک گرمکـن قرمـز پوشـیده و دیگـری هـم، دور کمرش، سوئیشرت قرمزش را بسته. هر دو هم تی‌شرت‌های قرمز کهنه بر تن دارند).

- کاروکاسبی خوبه؟

اول خجالت می‌کشـند حرف بزنند؛ انگار که تازه‌کار هسـتند؛ دو تا از پسـرهای گل‌فروش که کمـی از آنها بزرگ‌ترند آن طرف خیابان آنهـا را دید می‌زنند. ترکیبی از خجالـت و نگرانی از خراب‌شـدن کاروکاسبی‌شـان دارند. حرف نمی‌زنند. خطاب قرارشان می‌دهم: بچه‌ها بیایید می‌خواهم بهتان عیدی بدهم. راضی می‌شوند و می‌آینـد؛ «رضا» صدایش می‌کنند، با لبخند می‌آید، از او می‌پرسم:

در روز چقدر درآمد دارید؟

زیاد نیست. ۷۰،۸۰ هزار تومان.

چند وقته اینجایید؟

یک هفته‌ای می‌شه که هر روز می‌آییم.

هر سال؟

نه. اولین سال است.

بزرگ‌تر هم همراهتان هست؟

نـه. دایی ما را اینجا مـی‌ذاره و خودش با بچه‌اش می‌ره تجریش فال می‌فروشه.

مادر و پدر کجان؟

شهرستان.

خونه دایی کجاست؟

راه‌آهن.

ظهر اومدید، ساعت چند برمی‌گردید؟

حدود ساعت هشت دایی میاد دنبالمون.

اینجا مردم باهاتون خوب رفتار می‌کنن؟

آره. می‌خندن ما رو می‌بینن.

خوشحال میشی؟

نه زیاد.

زیاد خوشحال نیسـت. می‌گوید من و ابوالفضل (به برادرش اشاره می‌کنه) زیاد پول نمی‌گیریم.

چرا؟

مردم به ما پول نمی‌دهند.

چرا به شما پول نمی‌دن؟

شانه‌هایش را بالا می‌اندازد: «نمی‌دانم.»

سال بعد هم این کارو می‌کنید؟

نمی‌دونیم.

پولشو چیکار می‌کنید؟

می‌دیم دایی.

دیگر حواسـش بـه من نیسـت. چشـمش دنبال ماشـین‌هایی است که پشـت چراغ قرمز ایسـتاده‌اند. به‌ناچار خداحافظی می‌کنم تا به کارش برسد.

دختر حاجی‌فیروز

آن‌طرف چهـارراه دو نوجوان دختر و پسـر در حال تنبـک‌زدن هسـتند. حرفه‌ای به نظر می‌رسـند. پسـر لباس حاجی‌فیروز پوشـیده و در حـال تنبک‌زدن ترانه حاجی‌فیروز را می‌خواند.

«ارباب خودم سلام علیکم،
ارباب خودم سر تو بالا کن،
ارباب خودم منو نیگا کن،
ارباب خودم لطفی به ما کن.
ارباب خودم بزبز قندی،
ارباب خودم چرا نمی‌خندی؟
بشکن بشکنه بشکن،
من نمی‌شکنم بشکن،
اینجا بشکنم یار گله داره،
اونجا بشکنم یار گله داره!
این سیاه بیچاره چقد حوصله داره»

دختر هم دامنی پولک‌دار پوشیده و به‌خوبی نمایش اجرا می‌کند. بازارشان هم به نظر گرم می‌رسد. از دور که نگاه می‌کنم تقریبا هر ماشینی به آنها پول می‌دهد. مبلغ اما مشخص نیست. نزدیک‌تر می‌شوم.

سلام بچه‌ها. خواهر برادرید؟

می‌خندند.

آره

حالا نسبتتون مهم نیست. اسمت چیه؟

مجتبی.

از ساعت چند می‌آید اینجا؟

از ساعت ۱۱ تا ۶، ۶ و نیم عصر.

چقدر درآمد دارید؟

با لهجـه خاصی حرف می‌زند: کم. سـه نفری صد تومـان در یک روز. باید بین خودمون تقسـیم کنیم. زیاد پول نمی‌دهند.

از کجا می‌آید؟

از شهرستان.

کدوم شهرستان؟

ا... مشهد.

کی اومدید تهران؟

دو، سه روزی میشه.

تا دم عید می‌مونید؟

نه هشتم برمی‌گردیم.

اونجا خبری نیست می‌آید تهران؟

خب اینجا بهتره.

شما از کجا می‌آیی خانمی؟

می‌خندد. صدای پسرانه می‌شنوم.

من هم از مشهد میام.

پسـری؟ با ایـن لباس‌ها و ظاهـرت فکر کردم دختری! اسمت چیه؟

امیرحسین.

تا حالا آشنا اینجا شما رو دیده؟

همشهری؟

آشنا، فامیل یا همشهری...

ببینند هم به روی‌مان نمی‌آورند.

خاطره‌ای ندارید از این دم عیدی و حاجی‌فیروز؟

خاطره؟

آره خاطره.

پارسال دعوامون شد با دو تا حاجی‌فیروز.

چرا؟

اون‌ها هـم اومده بودن سـر چهارراه مـا. چهار تا حاجی‌فیروز بودیم. درنمی‌اومد. دعوامون شد.

با مردم چی؟ تا حالا خاطره بامزه‌ای پیش اومده؟

می‌خندد.

خاطره خوب کـه خب پول بدن ما هم خوشـحال می‌شیم... وقتی امیرحسـین می‌رقصه و من می‌خونم، همه می‌خندن و خوشحالن. بعضیام بشکن می‌زنن.

ماشـین‌ها پشـت ترافیک می‌ایسـتند. امیرحسین و مجتبی هم دل تو دلشان نیست که بروند و با ساز و دهل و رقص، عیدی‌شـان را بگیرنـد. خداحافظی می‌کنم و مقصد بعدی را هم «پارک‌وی» انتخاب می‌کنم.

پـس از کلی ترافیک که از این آخرین روزهای سـال کمی بعید است، به پارک‌وی می‌رسم. اینجا خیلی شلوغ است. از منظر حضور حاجی‌فیروزها. می‌شمرم. پنج نفر هستند.

حاجی‌فیروز دانشجو

مرد جوانی حدود ۲۲، ۲۳ سـاله با صورتی سیاه‌کرده و لباس‌هـای مخصوص حاجی‌فیروز، سـاز می‌زند و با صدایی تغییر داده، می‌خواند. صدایش می‌کنم.

سلام. می‌تونم چند دقیقه‌ای با شما صحبت کنم؟

بفرمایید.

صدایش خیلی بـا صدای حاجی‌فیروز فـرق دارد. صدایی‌دورگه و جوان که با صدای خموده حاجی‌فیروز زمین تا آسمان فرق می‌کند.

چند روزه اینجایید؟

دو، سه روزی می‌شود.

هر سال اینجا می‌آید؟

تقریبا. البته پارسال تجربش بودم. کمی بالاتر.

شغل اصلی‌ات چیست؟

دانشجو هستم.

چی می‌خونی؟

مهندسی صنایع.

دوستات هم دانشجو هستن؟

آره. هم‌دانشگاهی هستیم.

اهل تهرانی؟

نه. کرمان.

چرا حاجی‌فیروز شدی حالا؟

هم حال‌وهوای خوبی داره، هم اینکه خرج دانشگاه زیاده. درسته دولتی می‌خونم اما خرج و مخارج جانبی و کتاب و درس هم هست. نمیشه همیشه از خانواده پول بگیرم. دست‌وبالشان تنگه.

خوبه. حالا چقدر درمیاری این روزها؟

چهار، پنج روز آخر سال سرجمع یک میلیونی دستم را می‌گیره. غنیمته.

امسال که کبیسه هم هست. یک روز اضافه‌تر.

(می‌خندد). ایشالا.

دوسـتانش صدایـش می‌کننـد. پابه‌پـا می‌کنـد. می‌خواهد برود. به من نگاه می‌کند. لبخند می‌زنم.

برو. صدات با صدای حاجی‌فیروز قشنگ‌تره.

(می‌خندد). واقعا؟

با تعجب از سؤالش می‌خندم.

موفق باشی «حاجی‌فیروز دانشجو»

به دایره دستش می‌زند و می‌خواند:

ارباب خودم سلام علیکم...

می‌خواند و دور می‌شـود. ماشین‌ها پشت چراغ بوق می‌زنند و لبخندزنان بشکن هم می‌زنند.

هفت‌سین‌هایی که با دست «دیزاینرها» خلق می‌شوند

سکه‌های بهار آزادی در جام «هفت‌سین»

شـرق، مهتاب قلی‌زاده: «ادیم زمین، سفره عام اوست/ چه دشمن بر این خوان یغما، چه دوسـت»؛ در گذشـته‌ها این بیت از سعدی را بر حاشیه سفره‌های هفت‌سـین قلم‌کار با خطی خوانا می‌نوشته‌اند؛ یعنی پوست خوش‌بوی سـرخ‌رنگ و همه نعمت‌ها، هم برای دشمن گسترده است و هم برای دوست.

حالا هم باز نوروز اسـت؛ از هر قشـر و طبقه و با هر مذهبی که باشی باز هم هفت‌سـین پهن می‌کنی. چه سـفره‌ات کوچک و ارزان باشد؛ چه بزرگ و مجلل. هفت‌سین، پیوند همه اقشار ایرانی از فقیر و غنی و مسلمان و زرتشتی و مسیحی است.

این سـفره‌های مشـترک برای هر خانواده چقـدر آب می‌خورد؟ قیمت سفره‌های هفت‌سین هم مانند همه سفره‌های دیگر برای مردم بسیار گسترده و متفاوت اسـت. «شرق» از سه سطح متفاوت بسـیار ارزان، متوسط و بسیار گران هفت‌سـین‌های ایرانی گزارشی تهیه کرده است. نمونه‌های بررسی‌شده همه از تهران بوده‌اند و خبرنگار «شـرق» برای تهیه این گزارش، از سه نقطه متفاوت پایتخت دیدن کرده است.

نازی‌آباد؛ هفت‌سین‌های کوچک اما نوستالژیک

منطقه ۱۶ تهران، نازی‌آباد اسـت؛ در این محله تلاش شـده تا رنگ‌وبوی سفره هفت‌سـین خانواده‌هایی که دست‌شان تنگ‌تر است، دیده شود. برخی گل‌فروشـی‌ها و بقالی‌ها و میوه‌فروشی‌های این محله، مثل همه محله‌های دیگر، سبزه و ماهی و سیر سبزشده و... جلوی مغازه‌ها چیده‌اند. با فروشنده‌ها و خریداران هم‌کلام می‌شوم. قیمت‌ها را از مغازه‌داران و خریداران می‌پرسم؛ مغازه‌داران مثل همیشه گلایه دارند: «وضع خراب است...»؛ «کساد است...» و... . ماهی‌های قرمز ۵۰۰ و ۷۰۰ تومان هستند؛ سیر و سمنو و سنجد و سماق در ظرف‌های خیلی کوچک پلاستیکی ریخته شده است و هرکدام هزار تومان قیمت دارند. سبزه‌هایی در ظرف‌های سفالی کوچک هستند و دو تا چهار هزار تومان فروخته می‌شـوند. احتمالا اگر کسـی بخواهد همه سفره‌اش را از این مغازه‌ها بخرد باید سر جمع حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار تومان خرج کند.

خانم‌ها با دخترهایشـان جلوی این مغازه‌ها جمع شده‌اند و بلوایی است. از آنها می‌پرسـم وسـایل هفت‌سـین‌تان را از اینجا می‌خرید؟ بیشتر آنها یک جواب دارند: «لطف هفت‌سین به این است که خودمان تهیه‌اش کنیم. سبزه را خودمان می‌کاریم. سمنو را هم خودمان می‌پزیم؛ تخم‌مرغ‌ها را بچه‌ها رنگ می‌کنند. سفره را می‌اندازیم و سنجد و سکه‌های نو و کمی سرکه و سیب هم که خرجی ندارد. مهم این است که این سفره انداخته شود».

اینجا تنها مردمانی هستند که خودشان تمام قد سفره‌ها را تهیه می‌کنند، برعکس مناطق شمالی شـهر که یک نفر را به‌عنوان طراح داخلی استخدام می‌کنند تا برای‌شان سفره‌آرایی کند و برعکس مناطق مرکز تهران که همه‌چیز را آماده تهیه می‌کنند.

هفت‌تیر؛ فوری فوتی و آماده

اینجا یکی از شـلوغ‌ترین مناطق پایتخت اسـت. مرکز شهر و مردم طبقه متوسـط. اینجـا هم مغازه‌هـای مختلف هفت‌سـین‌هایی را بـرای فروش گذاشـته‌اند. هرچند کمـی با نازی‌آباد فـرق دارد. اینجا به‌جـای ظرف‌های پلاستیکی، ظروف یک‌دست زیبایی در طرح‌ها و رنگ‌های متنوع برای فروش گذاشـته شده است. این سـت‌ها آینه و تنگ ماهی و جاقرآنی هم دارد. حتی اینجا تخم‌مرغ‌های رنگ‌شده هم برای فروش گذاشته شده است.

قیمت‌ها را می‌پرسـم؛ ظروف یک‌دسـت برای سـفره هفت‌سین بین ۵۰ تـا ۲۵۰هزار تومان قیمت دارند. ماهی‌های قرمز دانـه‌ای هزارو ۵۰۰ تا چهار هزار تومان هسـتند. بسـته‌های ۳۰۰گرمی سمنو، سـه هزار تومان فروخته می‌شـوند. پاکت‌های ۱۵۰گرمی سـنجد، حدود پنج‌هزار تومان. یک بوته سیر درون کیسـه‌ای کوچک هزارو ۵۰۰ تومان است؛ اینجا حتی حاجی‌فیروزهای عروسکی کوچکی فروخته می‌شود که بین هفت تا ۱۰هزار تومان قیمت دارند. تنگ‌های ماهی بین ۲۰ تا ۵۰ هزار هستند و سبزه‌های آماده در سه قیمت پنج، هفت و ۹هزارتومانی آماده رفتن به سـفره‌های مردم. اگر همه سفره‌تان را از این مغازه‌ها بخرید، باید چیزی بین ۱۵۰ تا ۲۰۰هزار تومان خرج کنید.

اما اینجا فروشـی‌های دیگـری هم برای هفت‌سـین وجـود دارد؛ مثلا خزنده‌ها. لاک‌پشت‌های تزئینی خارجی در بازار از ۱۵هزار تومان آغاز می‌شود و تا ۲۰هزار تومان هم معامله می‌شود. هرچند بسیاری درباره استفاده از آنها در محیط‌های خانگی هشـدارهایی دادند؛ اما بازارش آن‌قدر داغ هسـت که کسی به این هشـدارها دقت نکند. مارها گونه دیگری از خرنده‌ها هستند که برای هفت‌سـین فروخته می‌شـوند. قیمت این مارها هم بسته به اندازه‌شان از هشـت هزار تومان آغاز می‌شـود؛ مارهایی که فروشنده‌ها می‌گویند نیش نمی‌زنند.

از مردان و زنانی که برای خرید آمده‌اند، می‌پرسم آیا خرید هفت‌سین‌شان را از همین‌جا انجام می‌دهند یا خودشان سفره‌ها را آماده می‌کنند؟ بیشترشان زن و شـوهر هسـتند؛ می‌گویند: نـه وقت دارند خودشـان سـبزه بکارند و تخم‌مرغ رنگ کنند نه حوصله. وقتی آماده‌اش هسـت چرا خودشـان را به زحمت بیندازنـد؟ می‌گویند ترجیح می‌دهند کمی هزینه کنند؛ اما خیلی هم وارد ماجرای درسـت‌کردن هفت‌سین نشوند. هرچند از قیمت‌ها گلایه دارند و چندان راضی نیسـتند؛ اما می‌گویند چاره‌ای نیست، بهتر است این خرید را انجام دهند.

نیاوران و دیزاینرها!

مغازه‌های لوکس‌فروشـی محل فروش وسایل سـفره هفت‌سین است. اینجا مردم بیش از آنکه به سـیب و سرکه و سماق و... توجه کنند، به آرایش سـفره و ظروفی که قرار اسـت سـین‌ها در آن قرار بگیرد اهمیت می‌دهند. وارد یکی از مغازه‌ها می‌شـوم. میان مشتری‌ها مردی هم هست که در حال انتخاب ظرف‌های مختلف اسـت. به او نزدیک می‌شوم و می‌پرسم: شما تنها سفره‌تان را می‌چینید؟ مادر، خواهر یا همسرتان کمک‌تان نمی‌کند؟ می‌خندد و می‌گوید «من برای خودم انتخاب نمی‌کنم؛ من طراح داخلی هستم؛ برای این کار پول می‌گیرم». می‌پرسـم: «یعنی برخی خانواده‌ها برای سفره هفت‌سین، طراح داخلی اسـتخدام می‌کنند؟ و شـما این‌کار را می‌کنید؟ چقدر دستمزد می‌گیریـد؟» مـرد که همچنان سـرگرم نگاه‌کردن به ظرف و ظروف اسـت، می‌گویـد: پیش‌تر تنها برای چینـش خانه و طراحی داخلـی اتاق‌ها و البته سفره عقد کار می‌کرده؛ اما چند سالی است که مشتری‌ها برای نوروز و سفره هفت‌سـین هم به سراغش می‌آیند. دستمزدش بین پنج تا ۱۵ میلیون تومان است و خودش از روی مشتری تشخیص می‌دهد چه نرخی را پیشنهاد بدهد.

از او می‌پرسم: وقتی برای طراحی تا ۱۵ میلیون تومان هزینه می‌کنند، خود سفره چقدر خرج برمی‌دارد؟

آقای طـراح توضیح می‌دهد: بسـتگی دارد؛ ممکن اسـت صد میلیون تومان، ممکن اسـت تا ۳۰۰ میلیون تومان. حداقل گران‌ترین سفره‌ای که من انداخته‌ام، حدود ۳۰۰ میلیون تومان آب خورد.

مگر چه چیزی دارد این سفره‌ها که ۳۰۰ میلیون تومان می‌شود؟

مثلا فرض کنید یکی از وسـایلی که قرار است سر سفره هفت‌سین باشد، سـکه است. خب، به اعتبار اینکه وارد سال ۱۳۹۶ می‌شویم، در جام سکه ۹۶ سـکه تمام بهار آزادی ریختیم. این خانواده دوست داشتند، سفره‌شان با طلا آرایش شود؛ برای همین روی ترمه زری‌دوزی که هفت‌سین را چیدیم، زنجیری بسـیار دراز از طلا سفارش دادیم و این ریسـمان طلایی را بین ظروف حرکت دادیم. خود ظروف همه سفارش داده شدند و از فرانسه آمدند.

کمی ذوق‌زده می‌شود و می‌گوید: سفره شاهانه‌ای بود. واقعا خودم لذت بردم.

کمی گیج و کمی متعجب از مغازه بیرون می‌آیم؛ شعر حافظ با من است: «صلاح کار کجا و من خراب کجا/ ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا»

خبر

جدیدترین اخبار از کاسپین

فرشتگان در انتظار بهار

● تازه‌ترین گزارشی که معاون نظارت بانک مرکزی از وضعیت رسـیدگی به مؤسسه اعتباری کاسپین اعلام کرده از ایـن حکایت دارد که بعد از تعیین‌تکلیف پنج تعاونی، اکنون شناسایی دارایی‌های دو تعاونی دیگر در دستور کار قرار دارد و تا پایان فروردین ۱۳۹۶ وضعیت هفت تعاونی به‌طور کامل سـاماندهی می‌شـود. در مورد پرحاشیه‌ترین تعاونی زیرمجموعه کاسپین؛ یعنی «فرشـتگان» نیز اخبـار مطلوبی برای سـپرده‌گذاران وجود داشـته و احتمالا تا پایـان فروردین‌ماه تکلیف دارایی‌ها مشـخص شـده و پرداخت وجوه ۶۵۰ هزار سـپرده‌گذار این تعاونی در بهار سـال بعد در اولویت پرداخت قرار خواهد گرفت. به گزارش ایسنا، از هشت تعاونی زیرمجموعه مؤسسه کاسپین که اکنون حدود یک‌سـال از دریافت مجوز فعالیت رسمی آن در بازار پول می‌گذرد، «فرشـتگان» از پرحاشیه‌ترین و البته به اذعان مدیران بانکی دارای بیشترین مشکل در دارایی و بدهی و همچنین مواجهه با سپرده‌گذاران خود بود، به‌طوری‌که از چند ماه پیش و بعد از اعلام دادستانی در رابطـه بـا بدهـی ۴هزارمیلیاردی ایـن تعاونی و کسری که برای پاسخ‌گویی به سپرده‌گذاران آن وجود داشت، موج درخواست‌ها برای دریافت وجوه از سوی سپرده‌گذاران شدت گرفت و آنها که راهی جز مؤسسه کاسپین نداشتند، شروع به تجمع در مقابل این مؤسسه و البته بانک مرکزی کردند. در نهایت قرار بر این شد که بعد از انتقال کامل دارایی‌ها و اعمال هشـت تعاونی زیرمجموعه کاسـپین به این مؤسسه شرایط پرداخت وجوه و البته سـود مشتریان آن مشـخص شود و در دسـتور کار قرار گیرد. البته طبق توافق اولیه در زمان اعطای مجوز به کاسپین نیز بانک مرکزی هیئت‌مدیره آن را موظف به نقل‌وانتقال دارایی این هشت تعاونی کرده بود، ولی در جریان این فرایند مسـائلی پیش آمد که در نهایت به ایجاد حواشـی برای آن منتهی شـد. در روزهـای اخیر با اعلام انتقال کامل دارایی‌های پنج تعاونی حسـنات اصفهان، الزهرای مشهد، دامداران و کشاورزان کرمانشـاه، عام کشاورزان مازندران و امید جلین مازندران اعلام شـد که سـه مؤسسه دیگر نیز در ایـن فرایند قرار دارند و تا اینجا کاسـپین موظف به پاسخ‌گویی به سپرده‌گذاران پنج تعاونی منحله خواهد بود. این در حالی اسـت که براسـاس آخرین گزارشی که فرشـاد حیدری - معاون نظارتـی بانک مرکزی- در رابطه با شـرایط کاسـپین در روزهای پایانی سـال جاری اعلام کرده، شناسـایی و کارشناسی دارایی‌های دو تعاونی دیگر شـامل «بدر توس» و «پیوند مشهد» نیز در دسـت انجام بـوده، اما با توجـه به پیچیدگی بیشـتری که در کار آنها نسـبت به بقیـه وجود دارد، اکنون دسـتگاه‌های ذی‌ربـط از جمله بانک مرکزی و مقامـات قضائی، مقدمات کار را فراهـم کرده‌اند و با تشـکیل هیئت تصفیه تعاونی و هیئت‌مدیره مؤسسه کاسـپین توافقاتی انجام شـده اسـت. براین‌اسـاس دارایی‌های شناسایی‌شده این چهار تعاونی هم ارزیابی و به کاسـپین منتقل خواهد شد که پس از اخذ مجوز از مرجع قضائی مربوطه در مشـهد این سـاماندهی انجام می‌شـود. آخریـن گزارش رسـیدگی به پرونده فرشتگان حاکی از آن است که دارایی‌های این تعاونی با دستور بازپرس دادسرای پولی و بانکی در تهران در حال ارزیابی و کارشناسی بوده و طبق هماهنگی‌های انجام‌شـده تا پایان فروردین‌ماه ۱۳۹۶ نتایج ارزیابی‌ها و کارشناسی اموال و املاک شناسایی‌شده این تعاونی انجام و نهایی شود. این دارایی‌ها پس از تعیین ارزش با هماهنگی مرجع قضائی و بانک مرکزی به کاسپین منتقل و متناسب با آن سپرده سپرده‌گذاران فرشتگان به کاسـپین منتقل خواهد شـد. معاون نظارت بانک مرکـزی امیدوار اسـت در پایان فروردین سـال آینده کار انتقـال دارایی‌هـا آغاز شـده و به تناسـب وجوه سـپرده‌گذاران تعاونی فرشـتگان، با برنامه‌ای مدون و بـا درنظرگرفتن نظر مرجع قضائـی و بانک مرکزی ایـن دارایی‌ها به کاسـپین منتقل شـود و از آن زمان پاسخ‌گوی سپرده‌گذاران فرشتگان باشد.

بازار

عنوان شاخص	۱۸ بهمن	۲۵ بهمن	تغییر
کل	۷۶۲۸۵.۵	۷۶۷۳۷.۹	۴۵۲.۴
شاخص قیمت	۲۶۶۴۶.۵	۲۶۷۵۴.۱	۱۰۷.۶
شاخص کل (هم‌وزن)	۱۵۴۲۹.۱	۱۵۵۷۲.۶	۱۴۳.۵
شاخص قیمت (هم‌وزن)	۱۲۱۸۸.۷	۱۲۲۶۵.۲	۷۶.۵
آزاد شناور	۸۳۵۳۱.۳	۸۴۰۶۵.۶	۵۳۴.۳
۵۰ شرکت بزرگ	۲۹۹۸.۸	۳۰۱۵.۸	۱۷

ارز	قیمت(تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۷۵۷	−۲۹
یورو	۴۱۱۹	−۸
پوند	۴۷۸۸	−۱۰
درهم	۱۰۵۷	−۳

طلاو سکه	قیمت	تغییر
طرح قدیم	۱،۱۷۸،۰۰۰	−۱۰۵۰۰
طرح جدید	۱،۱۹۵،۰۰۰	+۵۰۰۰
نیم	۶۹۶،۰۰۰	−۵۵۰۰
ربع	۳۷۰،۰۰۰	+۵۰۰۰
گرمی	۲۴۵،۵۰۰	+۳۰۰۰
گرم ۱۸ عیار	۱۱۳،۸۶۳	+۱۱۷۷
اونس (دلار)	۱۲۳۰.۵	+۳۰